

حمد حضرت مقصودی را سزااست که بانوار آفتاب حقیقت مدن و دیار ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۷۶

ب

حضرت افنان جناب حاجی سید علی علیه بهاء الله الأبهی
ربیع الأول سنة ۱۳۰۷

هو الله تعالى شأنه العظمة والاقترار

حمد حضرت مقصودی را سزااست که بانوار آفتاب حقیقت مدن و دیار را بنور معرفت مزین فرمود و آذان طاهره مقدسه را باصغاء ندا مؤید ساخت من فاز بالا صغاء فاز بالاستقامة مقصود از اصغاء حق الا صغاء بوده و هست چنانچه مشاهده شد از قبل قد سمعوا و اعرضوا و يسمعون و يعترضون و الصلوة و السلام على حبيبه و صفیه الذي اختاره لظهار امره و ابراز احكامه و اوامره و على آله و اصحابه الذين بهم تمت حجة الله على خلقه و ظهرت سطوة الله بين عباده

روحي لذكركم الفداء و لاستقامتكم الفداء دستخط مبارك رسيد في الحقيقة حامل مردها بود چه كه صحت و سلامتی مزاج عالی را مبشر و همچنین مراتب و مقامات خلوص و انقطاع و تشبث و توسل را مخبر خبری بود دانا و حنیفی بود ناطق و توانا و بعد از مشاهده و قرائت قصد مقام نموده امام وجه عرض شد فرمودند نسأل الله تبارك و تعالى ان يوفقه على ما ينبغي و يفتح على وجهه ابواب البركة و العناية و يظهر منه ما يهدي الناس الى صراطه و يزينهم بطراز الأمانة و العفة انه على كل شيء قدير

و نذكر افناني من اهل الوفاء الذي سمي بسيد آقا و نبشر من سمي بمحمد قبل رضا و نسأل الله تعالى ان يكتب لهما من قلبه الأعلى ما لا ينفد و يكون باقياً بقاء اسمائه الحسنی و صفاته العليا و نذكر اوليائي هناك و نسأل لهم البركة و العافية من الله مولى البرية و نقول الهی الهی فاجعل عاقبة امورهم خيراً انتهى



ORIGINAL

این خادم فانی لازال از حقّ جلّ جلاله از برای هر یک از افنان طلب نموده آنچه را که سبب فیض اعظم است از برای اممّ الله مالک العالم و هادی عبادہ الی اسمہ الأقدم الأکرم و همچنین از برای اولیا علیهم سلام الله طلب نموده آنچه را که سزاوار بخشش اوست الله هو المقتدر القدير و بالاجابة جدیر

ذکر محبوب روحانی جناب آقا میرزا ابوالفضل علیه بهاء الله را نمودند و همچنین حبیب روحانی جناب آقا میرزا عبدالکریم و اولیای آن ارض یعنی عشق آباد را فرمودند بعد از عرض فرمودند آنچه را که امطار ربیع عنایت است از برای نهالهای وجود و نسیم مکرمات است از برای نفوس مستعدّه از غیب و شهود از قبل دو ورق از بیانات که از هر کلمه آن عرف فضل و رحمت و عنایت متضوّع بود بتوسط آقای مکرم حضرت افنان علیه بهاء الله الابهی بآن ارض ارسال شد و در ثانی هم چون آن حضرت اراده ذکر فرمودند امر بارسال سیّالة برقیّه شد یسأل الخادم ربّه بأن يؤیّد الکّل علی ما یحبّ و یرضی و یوقّهم علی ما ترتفع به مقاماتهم بین الأحزاب الله هو المقتدر علی ما اراد و هو الامر الحکیم

اما فقره جناب ملا محمد علی (تفتی) علیه بهاء الله بعد از عرض فرمودند جناب مذکور حین ورودش در سخن آنچه داشت ارسال نمود و امر باخذ شد و لکن الی حین تصرّف ننویدیم و حال نظر باینکه ایشان مجدّد اراده ارسال مقداری نموده اند آن وجه را قبول مینمائیم که او هم این وجه ثانی از جانب ما قبول نماید هذه عنایة من عندنا از قبل مظلوم باو سلام برسان و بعنایات لاتخصی بشارت ده افنان میدانند و مطلعند قبول این مظلوم وجه قبل را محض محبت بایشانست الی حین از اکثری قبول نشده و از ایشان مرتبه اول بطراز قبول فائز ليقبل منّا فقره الثانية نسأل الله ان یفتح علی وجهه ابواب عنایت و فضله و برکته و یجعل من الذین فازوا بذکره فی بلاده و نصره امره بین عبادہ بالحکمة و البیان الله هو المقتدر العزیز المنان انتهى

مجدّد در ذکر اولیای ارض عین و شین فرمودند یا اولیائی هناك انتم مفاتیح ابواب الاستقامة بین البریّة و رایات الهدایة بین الخلیقة بکم یثبت توحید ذاته و تنزیه کینونته نوصیکم یا اولیاء الله بالحکمة و بما ترتفع به مقاماتکم و شؤونکم طوبی لکم و لمن یحبکم خالصاً لأمر الله ربّ الأرض و السماء و ربّ العرش العظیم ایّاکم ان تخوّفکم ضوضاء القوم الذین نبذوا العدل ورائهم متمسکین بالظلم الا انهم فی عذاب مهین لیس لهم ناصر و لا معین سوف تأخذهم نفحات العذاب من کلّ الجهات الله هو الأحد المقتدر القدير آنچه لازم است اتّحاد و اتفاق و حکمت و اعتدال در امور است طوبی للذین تمسکوا بحبل الاتّحاد و عملوا بما امروا به من لدن علیم حکیم

و اما فصل در هیچ احوال جایز نه فصل در آن ارض سبب اشتعال نار بغضا میشود در جمیع بلاد ایران آن ارض چون متعلّق بدولت دیگر است اسباب حرّیت بدست میآید و لکن این حرّیت سبب رقیّت سایر احبّ است در بلاد ایران باری در جمیع احوال باعتدال و اسبابی که سبب تقرّب و انجذاب قلوبست باید تمسک نمود و این فقره منوط باعمال طیّبه و اخلاق مرضیه است که سبب هدایت و تقرّب نفوسست الله معکم یشهد و یری و هو السميع البصیر انتهى

در باره جناب میر محمد حسین بیک علیه بهاء الله و بعض عرایض آن جهات مرقوم داشتند چندی قبل مخصوص ایشان نازل شد آنچه که حجت باقیه است از برای عالم و اهل آن و ارسال گشت یسأل الخادم ربّه بأن یقرّ الأبصار بمشاهدته و الاذان باصغائه الله هو المؤیّد الحکیم لازال محبوبی میر و اولیای آن اطراف از ذکور و اناث در ساحت اقدس مذکور

بوده و هستند مقامشان از الواح الهی معلوم و واضحست هنیئاً لهم آن حضرت جواب نامه‌های ایشان را مرقوم فرمایند و اظهار عنایت از قبل حقّ مذکور نمایند

در بارهٔ امورات علیّه مرقوم داشتند در جمیع احوال از حقّ سائل و آمل اعزاز امرش را در مدن و دیار و نصرت حضرت افنان را آنّه مجیب السّائلین

و اما در بارهٔ قرآن باید با قرآن از آقا حسینعلی اخذ شود با نوشتهٔ معتبری بمهر جمعی و تفصیل در آن مذکور گردد و در ارض طاء نزد جناب حاجی میرزا حسن علیه بهاء الله ارسال شود و این فقره بسیار لازم است چه که بسیار ذکر نموده‌اند و مفتریاتی نسبت داده‌اند ولکن بدوستی از آقا حسینعلی خواهش نمایند طرف معارضه واقع نشوند با هر نفسی لوجه الله محبت و شفقت لازم مگر نفوس معرضه این حکم در کتاب اقدس از سماء امر نازل طوبی للعاملین السلام و الذّکر و البهاء علی حضرتکم و علی من یحبکم و یسمع قولکم